

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید

اول اگست ۲۰۱۱

## آینده جنگ امریکا در افغانستان، برد یا باخت؟

در مقاله " پیروزی و شکست " دلایلی برای شکست امریکا در جنگ افغانستان تا همان لحظه ای که آن مقاله نوشته شد ارائه گردید. در این مقاله - اما - قصد بر آن است که به نتیجه جنگ امریکا در افغانستان در آینده پرداخته شود.

نتایج جنگ ها معمولاً به دو چیز بستگی دارد: یکی اقتصاد قوی و دیگر اراده سیاسی محکم. در طرف امریکا در حال حاضر هیچ کدام این ها آن گونه که سرنوشت جنگ را به نفع این کشور رقم بزند وجود ندارد. طرف دیگر که طالب - پاکستان باشند از نگاه اقتصادی به هیچ وجه قابل مقایسه با امریکا نمی باشند، ولی از لحاظ اراده اگر این گروه و این کشور مورد دقت قرار داده شوند، دیده خواهد شد که هر دو دارای اراده محکم و حوصله فراخ برای برنده شدن در این جنگ هستند.

اختلافات ده سال اخیر میان دو حزب بزرگ سیاسی امریکا، اختلافات رو به افزایش میان مردم و دولت و میان ارگان های مختلف دولتی یا میان مسؤولین سیاست جنگی امریکا در افغانستان (برخی از جنرالان نظامی با حکومت بر سر شیوه ها یا تاکتیک های جنگی و ... در افغانستان هرازگاهی اختلاف پیدا کرده اند) در گذشته و حال شاید بر هیچ کدام از ما پوشیده نباشد. همینطور بحران اقتصادی امریکا چیزی نیست که ما از آن بی اطلاع باشیم.

وجود اختلافات نشانه عدم اراده واحد سیاسی قوی است. چنین امری در جوامع دموکراتیک طبیعی است. زیرا چنین امری از ماهیت نظام منشأ می گیرد. این تبیین تنها بیان یک واقعیت است و نه موضعگیری بر سر خوبی و بدی نظام!

و اما بحران اقتصادی:

بحران اقتصادی امریکا که در سال ۲۰۰۷ آغاز شده بود بعد از افت بازار مسکن و رکود قیمت املاک و مستغلات در این کشور اینک به جایی رسیده است که برخی از منابع آن را آخرالزمان اقتصاد امریکا می خوانند.

قرار گرفته و نوشته بعضی از منابع بحران مذکور در سال ۲۰۰۹ باید کاهش یافته باشد، ولی واقعیت این است که بحران یاد شده از زمان شروع تا امروز نه فقط کاهش نیافته است، که هر سال بیشتر از پیش نیز شده است. اخیراً آقای اوباما رئیس جمهور این کشور خود به این امر اعتراف نموده گفته است که " اقتصاد امریکا در ماه های آینده باد مخالف را تجربه خواهد کرد."

مجله "پولیتکو" منتشره امریکا طی یک مقاله ای نوشته است که " دولت فدرال قادر به بازپرداخت بدهی های خود نمی باشد. ... دولت باید هزینه های خود را کاهش بدهد. ... عدم پرداخت سود وام دهندگان، سبب افزایش بدهی های دولت فدرال شده است. و..."

مجله مذکور در جای دیگری اضافه می کند: " امریکا در نهایت مجبور خواهد شد با پرداخت سررسید اوراق قرضه، نرخ بهره بیشتری را پرداخت کند. این نگرانی، به هیچ وجه نباید دست کم گرفته شود چرا که افزایش يك درصدی نرخ بهره، چیزی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال برای مالیات دهندگان امریکائی تمام خواهد شد.

این نکته را هرگز نباید از خاطر ببریم که این میزان کمتر از آن چیزی است که دولت در این ماه قرض خواهد کرد. و این به نوعی بدتر از سناریوی پیشین است.

در سال ۱۹۹۷، دولت فدرال در نتیجه بن بست ناشی از سقف بدهی (و دیگر مشکلات فنی)، نتوانست اقراض خود را پرداخت کند. در نتیجه ۰.۶۰ درصد نرخ بهره ها افزایش یافت.

اوضاع اقتصادی کنونی امریکا بدتر از اوضاع اقتصادی کشورهای اروپائی همچون یونان است. به گزارش های بیشتر در این خصوص توجه کنید:

صدای امریکا:

" بدهی امریکا از مرز ۱۴ تریلیون دلار گذشت و به بالاترین سطح خود در تاریخ رسید..."

وزارت کار امریکا:

"یورو از ۱.۳۵۶۷ دلار در ساعات پایانی روز چهارشنبه به ۱.۳۶۰۴ دلار در ساعات پایانی روز

پنج شنبه افزایش یافت. پوند انگلیس نیز از ۱.۶۰۹۲ دلار به ۱.۶۱۷۴ دلار افزایش یافت."

شعبه مطالعات بازنشستگان امریکا:

"بیش از ۲۰ درصد از افراد مورد مطالعه اعلام کردند که به دلیل اوضاع بد اقتصادی مجبور شده اند که تمامی پول خود را از حساب بازنشستگی بیرون بکشند. ۱۹ درصد از آنها همچنان اعلام نمودند که مجبور شده اند از دوست یا از اعضای خانواده خود پول قرض کنند." سایت انترنتی وزارت کار امریکا:

"نرخ بیکاری با کمی تغییر ( با افزایش ۱۸۰۰۰ بیکار در ماه جون ۲۰۱۱ به رقم قبلی - توضیح نویسنده این مقاله) به ۹.۲ در صد رسید..."

( لازم به تذکر است که نرخ بیکاری در زمان آغاز کار اوباما به حیث رئیس جمهور در امریکا ۷.۲ درصد بود، ولی امروز بیکاران واجد شرایط کار در امریکا به ۹.۲ در صد می رسد.) بی بی سی:

"به گفته دفتر بودجه کنگره، کسر بودجه دولت امریکا در سال جاری به یک تریلیون و ۴۸۰ میلیارد دلار خواهد رسید که معادل ۹ و هشت دهم ( تقریباً ده در صد تولید اقتصادی، توضیح نویسنده) درصد تولید اقتصادی این کشور است." ( یک تریلیون برابر است با هزار میلیارد.) نیورک تایمز از قول وزیر خزانه داری امریکا:

" کسر بودجه آنقدر زیاد است که ذخایر ارزی دلار موجود، نمی‌تواند آن را پرداخت کند و مخارج این کسر بودجه اجازه نمی‌دهد کارمندان امریکائی بر سر کارهای خود بازگردند." همین مرجع:

"قرار یک گزارش دیگر وزارت خزانه داری امریکا برآورد کرده است که دولت فدرال چیزی نزدیک به ۲۰۳ میلیارد دلار عواید مالی را در ماه آگست جمع آوری خواهد کرد - تقریباً ۳۶ میلیارد دلار در ۳ روز اول ماه آگست. اما بنابر برآوردهای دولت، در طول ماه آگست انتظار می‌رود ۳۰۷ میلیارد دلار هزینه شود. این مشکل اصلی ما است."

زوددویچه سائتوینگ بنابر تحلیلی که به قلم یکی از مفسرین خویش، آقای " ریمر کلور " در مورد بحران اقتصادی امریکا به نشر سپرده است می گوید:

"به این ترتیب در چنین شرایطی بحران بدهی ها در امریکا یک بحران جدی تری را نیز به همراه خواهد داشت که آن شکست سیستم سیاسی امریکا است."

باز هم بی بی سی:

"... بنابر این گزارش بدهی دولت امریکا تا سال ۲۰۲۱ از ۶۲ درصد کنونی به ۷۷ درصد افزایش خواهد یافت. دفتر بودجه همچنین تاکید کرد که نگران ادامه عدم سلامت مالی کشور پس از سال ۲۰۲۱ است."

فارن پالیسی، یک مجله امریکائی:

"پیشنهاد "رابرت گیتس" که علاوه بر تعطیلی مقر فرماندهی نیروهای مشترک در ویرجینیای جنوبی شامل تعطیلی "اداره تغییر و تحول اداری" وزارت دفاع، "دفتر یکسان سازی شبکه های اینترنتی و اطلاع رسانی"، کاهش شمار پیمانکاران، افسران ارشد و کارمندان اداری پنتاگون نیز است، تنها چند هفته پس از آن مطرح شد که پیشنهاد کنگره برای کاهش ۸ میلیاردی بودجه دفاعی سال آینده، در "کمیته تخصیص بودجه" سنا مطرح شد."

سایت اینترنتی گلوبال ریسرچ:

"به اساس نوشته "ردی آناند" اخیراً نشریه لایف ساینس ارقامی را منتشر کرده است که نشان می‌دهد ایالات متحده امریکا یک پنجم بودجه خود را صرف امور نظامی می‌کند." حال با توجه به این گزارش ها که به مثابه مثنی از خروار از آن یاد شد آیا امریکا قادر به ادامه جنگ در افغانستان تا شکست کامل گروه های سه گانه طالب - حکمتیار - حقانی (پاکستان) خواهد بود؟

ناگفته نباید گذاشت که امریکا در حال حاضر تنها در افغانستان و عراق و لیبیا (اضافه بر میلیون ها دالر کمک به مخالفان قذافی) عملاً درگیر جنگ و تأمین مصارف جنگی نمی باشد. امریکا امروز علاوه بر جنگ هائی که خودش در آن مستقیماً دخالت دارد به شکل غیر مستقیم یا به گونه نامرعی از دولت هائی مانند دولت یمن و پاکستان و غیره در جنگ با شورشیان ضد این دولت ها و افراطیونی مانند القاعده و طالبان و ... در افغانستان و یمن و پاکستان نیز حمایت اقتصادی - نظامی - سیاسی می کند.

برای حمایت چنین دولت ها امریکا ناگزیر است بازهم - باوجود مشکلات و بحران های اقتصادی خود - دهن کیسه را شل کند. گذشته از این، جنگ های استخباراتی امریکا نیز مستلزم هزینه های کلان می باشد که سبب وارد نمودن فشار بیشتر و مضمحل کنند تری به اقتصاد از نفس افتاده این کشور می شود. از همه بالاتر کمک های چندین میلیارد دلری این کشور به کشور هائی مانند اسرائیل و اردن و ترکیه و مصر و ... می باشد که با توجه به اقتصاد فعلی امریکا تأمین بیشتر آن یقیناً برای این کشور عاری از مشکل و خطر نیست.

اگر به گراف مجموع مصارف امریکا در افغانستان - از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۱ - توجه کنیم، خواهیم دید که مجموع مصارف امریکا در سال ۲۰۰۱ نزدیک یا چیزی بیشتر از بیست میلیارد دالر نبود. این رقم تا سال ۲۰۰۶ تقریباً ثابت ماند، ولی امروز - سال ۲۰۱۱ - مصارف امریکا در افغانستان بالغ بر چیزی بیشتر از ۱۱۷ میلیارد دالر می شود.

یو اس آ تودی ( USA TODAY ) در این مورد می نویسد که " در سال مالی ۲۰۱۱ مصارف افغانستان ۱۱۷ میلیارد دالر پیش بینی شده است."

به گزارشی از لوموند دیپلماتیک در این زمینه نیز دقت کنید:

" ۱۱۰ میلیارد دلار فقط یکی از بسته هزینه هائی بوده است که دولت واشنگتن در سال جاری برای افغانستان انجام داده است. این عدد بیشتر از هزینه هائی است که هر سال امریکا در افغانستان انجام می داد. این در حالی است که باراک اوباما رئیس جمهوری امریکا ابراز امیدواری کرده بود که در هر سال هزینه های مربوط به جنگ را کاهش دهد.

اوباما در نظر داشت که نیروهای ۹۷۰۰۰ نفری خود در افغانستان را از ماه جولای گذشته کاهش دهد، اما هرگز ماهیت و اندازه این کاهش مشخص نشد. در اینجا بخشی از اعداد و ارقام مربوط به هزینه های جنگ افغانستان برای امریکا را مشاهده می کنیم.

به دلیل آنکه امریکا در سال ۲۰۰۱ پس از حملات ۱۱ سپتامبر تصمیم گرفت طالبان را از افغانستان بیرون براند، کنگره امریکا ۳۸۶ میلیارد دلار تاکنون برای جنگ افغانستان اختصاص داده است.

هزینه های هر سرباز در هر سال در افغانستان از ۵۰۷۰۰۰ دلار در سال ۲۰۰۹ به ۶۶۷۰۰۰ دلار در سال ۲۰۱۰ و ۶۹۷۰۰۰ دلار در سال جاری افزایش یافته است. برخی اعتقاد دارند این افزایش هزینه ها به دلیل به کارگیری سربازان بیشتر، افزایش تعداد عملیات و توسعه زیرساخت ها بوده است."

اشرف غنی احمدزی می گوید:

"برای مصارف و تجهیز بیشتر و بهتر ارتش و پولیس افغانستان در سه سال آینده به بیست میلیارد دالر دیگر ضرورت است."

فراموش نکنید که این رقم تنها برای مصارف عسکر و پولیس افغانستان است و شامل مصارف بازسازی و نوسازی و... و مصارف جنگ و نیروهای نظامی امریکا مستقر در افغانستان و هزینه های استخباراتی و ... این کشور نیست.

با توجه به چنین وضعیتی - اقتصاد خراب، مصارف سرسام آور انواع جنگ ها و انواع کمک ها در سراسر جهان، چند دستگی در میان مسئولین امور و دولت در امریکا، کاهش پشتیبانی و مخالفت مردم امریکا از برنامه های جنگ طلبانه و هزینه های بیجا و غیر ضروری دولت های این کشور و بالاخره مخالفت های جهانی با برنامه های توسعه طلبانه امریکا - آینده جنگ امریکا را چگونه باید ترسیم کرد؟ شکست، یا پیروزی؟

نویسنده این سطور، اگرچه خواهان بازگشت هیچ گروهی تندرو، متعصب، بنیادگرا و نوکر اجنبی در عرصه سیاست و تصمیمگیری در افغانستان نیست و نه خواهان بازگشت اوباشان فاسد و جانی آزموده شده که فعلاً بخشی از دولت را تشکیل می دهند می باشد، با توجه به واقعیت های موجود به صفت یک انسان واقعگرا، نه یک انسان ائدیالیست، به این باور است که امریکا همانگونه که در ویتنام جنگ را باخت در افغانستان نیز جنگ را خواهد باخت.

آینده افغانستان حتی با تقویه و تجهیز نیرو های نظامی - انتظامی افغانستان هم چندان مطمئن کننده به نظر نمی رسد؛ زیرا تشکل عسکری و پولیس کشور از تجمع افراد مربوط به همان و همین تنظیم هائی به وجود آمده است که بر سر هیچ امری ملی نه تنها توافق ندارند و هیچوقت توافق نداشته اند، که غالباً یا خود یا رسانه های مربوط به این ها به مثابه ستون پنجم کشور های همسایه در صدد ایجاد نفاق و دشمنی میان اقوام و تخریب و تجزیه کشور نیز بوده و هستند. لطفاً مصاحبه شرافگانه، تحریک آمیز و دستوری اخیر تلویزیون بیات با والی کابل را یک بار تماشا کنید!

این دسته ها همیشه با هم مشکل داشته اند. همین اکنون هم مشکل دارند. تنها وجود و حضور نیرو های خارجی است که این ها را به یک شکل زیر یک سقف جمع نموده است. هر زمانی که این نیرو یا فشار این نیرو ها از سر این دسته های شرافگن، ماجراجو، جانی، فاسد و بیگانه پرست افغانستان ستیز برداشته شود باز هم همان آش و همان کاسه ای خواهد بود که در دهه ۹۰ میلادی در کشور ما وجود داشت.

هر بخشی از این تشکل (پولیس و اردو) جانب تنظیم و رهبر و قومندان خود را خواهد گرفت و نه تنها این تشکل از هم خواهد پاشید، که باز هم با تأسف و تألم همان محشر سال های اول پیروزی به اصطلاح مجاهدین در کشور برپا خواهد شد.

این هم شکست دیگری است که باید به پای امریکا محاسبه شود.

و اما برای نجات خاک و مردم از دست تعصب و اوباشان متعصب و فاسد و جانی و بیگانه پرست افغانستان و افغان ستیز و انواع مداخلات بیگانگان باید به بحث جداگانه ای پرداخته شود، اگر وقت یاری کرد!